



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

(گروه تاریخ)

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان در عصر صفوی

(۱۱۳۵-۰۵۹۰۷ ق)

اساتید راهنما:

دکتر هوشنگ جباری

دکتر بهادر قیم

استاد مشاور:

دکتر عبدالحسین میلانی

نگارنده:

ماندانا کولیوند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

پدر و مادر مهربانم که همواره در طول میات پربارشان از حمایت‌های

بی‌دریغ آنها بهره‌مند بودم.

به خواهرانم فرناز و فهیمه به خاطر همراهی دلسوزانه‌شان

و به همسرم که با گذشت و فداکاری پشتیبانم بود.

و

دفتر عزیزم، روناک

سیاسگذاری:

موجب افتخار و سرافرازی اینجانب است که از محضر اساتید شایسته‌ای برخوردار گشته که جا دارد سپاس خالصانه‌ی خود را به حضورشان تقدیم دارم.

با سپاس فراوان از استاد محترم و فرزانه جناب آقای دکتر هوشنگ جباری و آقای دکتر بهادر قییم که با همکاری صمیمانه و راهنمایی‌های خود مرا در نگارش این پایان‌نامه یاری نمودند.

با تشکر فراوان از استاد محترم و ارجمندم جناب آقای دکتر عبدالحسین میلانی که در محضرشان درس آموخته و در مشاوره این پژوهش مرا یاری فرموده‌اند.

با تشکر فراوان از اساتید محترم و ارجمند جناب آقای دکتر بحرانی‌پور و دکتر علم که داوری این پایان‌نامه را به عهده داشتند.

و با سپاس فراوان از استاد محترم جناب آقای دکتر خدایی که نظارت این پایان‌نامه را بر عهده داشتند.

نام خانوادگی: کولیوند	نام: ماندانا
عنوان پایان‌نامه: بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان در عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ هـ.ق)	
اساتید راهنما: دکتر بهادر قیم- دکتر هوشنگ جباری	استاد مشاور: دکتر عبدالحسین میلانی
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: تاریخ
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تاریخ فارغ‌التحصیلی: اسفند ۸۹	تعداد صفحه: ۱۵۷
واژگان کلیدی: زنان، صفویه، وضعیت سیاسی، وضعیت اجتماعی، حرمسرا	
<p>چکیده:</p> <p>پایان‌نامه حاضر با عنوان بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان در عصر صفوی، در چارچوب نوعی روش تحقیق جامعه‌شناسی تاریخی، در صدد برآمده است، با استفاده از مواد خام تاریخی بر جای مانده، در چارچوب مستندات مکتوب عصر صفوی، و مطالعات و تفاسیر صورت گرفته در سالیان اخیر، زوایای مغفول و فراموش شده ی حیات سیاسی و اجتماعی زنان این عصر را روشن‌تر نماید. بررسی‌های به عمل آمده بیانگر یک واقعیت تاریخی غیرقابل انکار است، که زنان جایگاه تبعی در حیات سیاسی و اجتماعی آن دوران داشته‌اند، اما خصلت مردسالارانه ی حیات سیاسی- اجتماعی، باعث شده است، تا در این دوران زنان نتوانند نقشی شایسته و فراخور جمعیت خود، به عنوان بخشی قابل توجه از جمعیت جامعه، ایفا نمایند. البته در این بین زنانی به ویژه از طبقات بالای جامعه، با توجه به فرصت‌های پیش آمده، که بیشتر ناشی از جایگاه و امکانات آنان به عنوان زنان درباری بوده است، توانسته‌اند نقشی از خود بر صفحه ی تاریخ این دوران ثبت نمایند، که در حوزه‌های موضوعی مورد مطالعه در این رساله، به آنها اشاره شده است. زنان سایر طبقات جامعه، با توجه به ساختارهای سیاسی و اجتماعی حاکم، نقش چندان برجسته‌ای در تحولات آن دوران نداشته، یا اینکه حداقل در منابع تاریخی موجود به آنها اشاره نشده است.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار:
۲	مقدمه
۵	شناخت منابع و مأخذ
۵	منابع تاریخی سلسله صفوی
۷	سفرنامه ها
۹	تحقیقات معاصر
فصل اول: زمینه‌های تشکیل دولت صفوی	
۱۳	۱-۱: تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان
۲۳	۱-۲- بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی زنان قبل از تشکیل دولت صفوی (تیموریان و ترکمانان)
۲۹	۱-۳- تشکیل دولت صفوی، زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن دولت
فصل دوم: بررسی ساختار سیاسی - اجتماعی ایران در عصر صفوی	
۴۰	۱-۲. کلیاتی از اوضاع اجتماعی ایران در عهد صفوی
۴۹	۲-۲. طبقات اجتماعی ایران در عصر صفوی
۵۴	۲-۳. مراتب و مناصب قدرت سیاسی در ایران عصر صفوی
۵۵	۲-۳-۱: امرای دولخانه:
۵۹	۲-۳-۲: امرای غیر دولخانه (سرحدی):
۶۱	۲-۳-۳: مراتب اداری علما:
۶۴	۲-۳-۴: مناصب و مقامات دولتی درجه دوم:
فصل سوم: زنان و سیاست در عصر صفوی	
۶۹	۱-۳: بررسی نقش زنان در مسائل سیاسی دوره صفوی
۷۸	۲-۳: همسران شاه اسماعیل اول و نقش آنها در عرصه سیاسی ایران عصر صفوی
۷۸	الف- بهروزه خانم:
۷۹	ب- تاجلو بیگم
۸۲	ج- مهد علیا

- ۳-۳: نقش تعدادی از زنان دربار صفوی در مسائل سیاسی ایران از شاه طهماسب اول تا شاه عباس اول..... ۸۳
- الف- مهین بانو (سلطانم)..... ۸۳
- ب- پریخان خانم..... ۸۶
- ج- خیرالنساء بیگم (مهدعلیا)..... ۹۴
- ۳-۴: زنان با نفوذ درباری از شاه عباس اول تا پایان حکومت صفوی..... ۱۰۱
- الف- زینب بیگم..... ۱۰۱
- ب- مریم بیگم..... ۱۰۴

فصل چهارم: بررسی وضعیت اجتماعی زنان در عصر صفوی (۱۱۳۵-۱۰۷۰ ه.ق)

- ۴-۱: زنان حرمسرا (زنان درباری و زنان اشراف) در ساختار حکمرانان صفوی..... ۱۰۷
- ۴-۲: وضعیت اجتماعی زنان طبقات عامه با تکیه بر نوشته‌های سفرنامه نویسان..... ۱۲۰
- ۴-۳: زنان اقلیت‌های مذهبی و وضعیت اجتماعی آنان..... ۱۳۳
- ۴-۴: وضعیت روسپیان در جامعه‌ی عصر صفوی..... ۱۳۷
- ۴-۵: کلیاتی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در عصر صفوی..... ۱۴۳
- نتیجه‌گیری..... ۱۴۸
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۵۰
- الف- منابع تاریخی (منابع عصر صفوی)..... ۱۵۰
- ب- تحقیقات معاصر..... ۱۵۳
- مقالات فارسی..... ۱۵۷

پیشگفتار:

رساله حاضر پیرامون وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان در عصر صفوی می‌باشد. وضعیت سیاسی اجتماعی زنان در طول تاریخ و در جوامع مختلف بشری به علت خصلت عمدتاً مردسالارانه محیط سیاسی اجتماعی وضعیت تبعی داشته است. بنابراین با توجه به مطالعات انجام گرفته، مشاهده می‌شود که در پاره‌ای از موارد، بوده‌اند زنانی که توانسته‌اند از حصارهای تنیده شده‌ی مرد سالارانه زندگی سیاسی و اجتماعی دوران خود، پا را فراتر نهاده، و در تحولات این دوران در حوزه‌های موضوعی مورد نظر، تأثیرگذار باشند، فصول و بخش‌های مختلف این رساله، باهدف بررسی و روشن نمودن زوایای فراموش شده زندگی سیاسی اجتماعی زنان عصر صفوی و رسیدن به درک درست‌تری از این واقعیات تدوین شده است. لازم به ذکر است با توجه به ویژگی‌های خاص این موضوع، که مطالعه‌ای پیرامون وضعیت زنان در دوران تاریخی مورد نظر بوده است، مشکلات فراوانی پیرامون دسترسی و گردآوری منابع مطالعاتی مورد نیاز وجود داشته است. به نحوی که پاره‌ای از اوقات، پیدا نمودن یک منبع خاص، و ضرورت استفاده از منابع کتابخانه‌ای دست اول، و مراجعه به دیگر مراکز دانشگاهی، کتابخانه‌های عمومی و کتابفروشی‌های شهرهای اطراف و بویژه تهران، مشکلات اینجانب را در نگارش پایان‌نامه، چند برابر نموده است. مع‌الوصف مانند هر ساخته و پرداخته بشری دیگر، این رساله نیز هر چند نتایج زحمات بیش از یکساله اینجانب می‌باشد، خالی از نارسایی و اشکال نیست، که از نظر تیزبین اساتید و اهل فن مستور نمی‌ماند، از این روی یادآوری آنها از سوی اساتید و صاحب‌نظران محترم مزید امتنان خواهد بود.

مقدمه

یکی از ویژگی های مطالعات تاریخی که از جهاتی می تواند به عنوان نقطه ضعفی برای آن محسوب شود، نپرداختن به وضعیت زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری است. هر چند زنان در طول تاریخ به عنوان بخش عمده ای از جمعیت، پا به پای مردان در شکل گیری تمدن بشری نقش داشته اند، اما به نظر می رسد زنان در بررسی های تاریخی، عنصری ناشناخته یا حداقل کم شناخته شده اند. به تبع همین واقعیت در بررسی های مربوط به تاریخ ایران زمین، بحث جامعی پیرامون نقش و جایگاه زنان در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی- سیاسی این تمدن بزرگ صورت نگرفته است. هر چند سوابق تمدن درخشان ایران زمین به طور طبیعی نمی توانسته است، بدون مشارکت زنان محقق شده باشد، و تمدن ایران زمین در دوران درخشان خود در گذشته و حال مدیون زحمات و تلاش های زنان هم بوده است، ولی در مستندات تاریخی برجای مانده از گذشته، چندان به این موضوع اهمیت داده نشده، و تنها اشاراتی کلی و در سایه زندگی مسلط مردانه آن دوران برجای مانده است، که به طور طبیعی متأثر از فضای سیاسی- اجتماعی رایج بوده است.

پایان نامه حاضر نیز، با عنوان « بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی زنان در عصر صفوی »، با اتخاذ رهیافتی میانه در چارچوب روش مطالعاتی جامعه شناسی تاریخی، در صدد برآمده است، با استفاده از مستندات تاریخی برجای مانده از این دوره، و تفاسیر صورت گرفته ی بعدی، وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان را در این دوره ی تاریخی مورد بررسی قرار داده و زوایای تاریک زندگی سیاسی- اجتماعی آنان را بررسی و روشن تر نماید. شکل گیری دولت صفوی، با باورهای خاص سیاسی- مذهبی این سلسله، و تأثیر پذیری ساختارهای اجتماعی- سیاسی جامعه ی ایرانی از این باورها، وضعیت زنان را نیز در چارچوب این ساختارها متأثر نموده است.

این پایان نامه از چهار فصل تشکیل شده است، که در دو فصل اول و دوم، فضایی کلی از حیات سیاسی- اجتماعی ایران در دوره های تیموریان و ترکمانان و صفویان به عنوان پیش درآمدی برای بررسی وضعیت زنان در دوره ی صفوی مطرح گردید. در فصل اول به نمونه های از دخالت زنان در مسائل سیاسی دوره های تیموریان، آق قویونلو و قراقویونلو اشاره شد. همچنین به بررسی وضعیت اجتماعی زنان در این ادوار تاریخی پرداخته شد. سپس به عوامل و زمینه های مؤثر در شکل گیری دولت صفوی، بخصوص نقش زنان و پیوندهای خاندان صفوی با ترکمانان آق قویونلو، به عنوان یکی از دلایل قدرت یابی این سلسله اشاره گردید در فصل دوم کلیاتی از اوضاع اجتماعی، طبقات اجتماعی و مراتب قدرت سیاسی ایران عصر صفوی، جهت بررسی وضعیت زنان در چنین فضای

سیاسی و اجتماعی مطرح گردیده است. در فصل سوم، به بررسی سهم و نقش زنان در مسائل سیاسی این دوره پرداخته شده است. در این فصل با اشاره به این مطلب که هیچکدام از مناصب رسمی قدرت سیاسی این دوره به زنان تعلق نمی‌گرفت، و زنان عمدتاً از تصدی مشاغل سیاسی محروم بوده‌اند، اما به این نکته نیز اشاره شده که تعدادی از زنان خاندان سلطنتی و زنان درباری، با توجه به لیاقت، کفایت و توانایی و نفوذشان در شخص شاه، به طور گسترده در مسائل سیاسی این عصر دخالت می‌کرده‌اند. که در این فصل، با نام بردن از این زنان، به نقش آنان در مسائل سیاسی پرداخته شده است. دخالت زنان در مسائل سیاسی در ابعاد گوناگون مانند: سفارت، شفاعت، ازدواج‌های سیاسی، هدیه و پیشکش زنان برای ایجاد صلح و دوستی و به خصوص دخالت در مسائل مربوط به جانشینی شاهان صفوی، نمودار گردیده است. سیاست شاهان صفوی بخصوص از زمان شاه عباس اول، در نگهداری شاهزادگان صفوی در محیط حرمسرا، به تدریج قدرت فراوانی به زنان حرمسرای شاهی داده و دست زنان را برای دخالت در مسائل سیاسی این دوره، باز کرده به طوری که در سالهای پایانی حکومت صفوی، تصمیم‌گیری‌های مهم کشور، در دست گروهی از زنان و خواجه سرایان با نفوذ حرمسرا بوده است. لذا بسیاری از مورخان این عامل، یعنی قدرت‌گیری حرمسرا و دخالت زنان در مسائل سیاسی را یکی از دلایل سقوط سلسله صفوی دانسته‌اند. در مورد دخالت زنان سایر طبقات، در مسائل سیاسی این دوره، اطلاعات اندکی موجود است. و زنان سایر طبقات اجتماعی ایران، دخالت چندانی در مسائل سیاسی این دوره نداشته‌اند. در فصل چهارم، به بررسی وضعیت اجتماعی زنان طبقات مختلف در عصر صفوی پرداخته شده است. در این فصل، با توجه به این نکته که جامعه‌ی ایران عهد صفوی، جامعه‌ای مردسالار بوده، زندگی اجتماعی زنان در سایه زندگی مردان تعریف شده است و زنان در بعد اجتماعی در محدودیت بودند، البته شدت این محدودیت و انزوای زنان در طبقات مختلف جامعه‌ی ایران متفاوت بوده است که در این پایان‌نامه به آن اشاره شده است.

پیرامون این پژوهش سؤالاتی نیز مطرح می‌باشد که برای اثبات و درک مطالبی که در صفحات بعد و تحت عناوین مختلف خواهد آمد، پاسخگویی به آنها ضروری است لذا رساله‌ی حاضر باید درصدد پاسخگویی به یک سؤال اصلی و تعدادی سؤالات فرعی می‌باشد که ذیلاً ارائه می‌شوند.

سؤال اصلی: وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان در عصر صفوی با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی ایران در این دوره چگونه بوده است؟

سؤالات فرعی: ۱- وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان طبقات بالای جامعه ی ایرانی در عصر صفوی چگونه بوده است؟

۲- وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان طبقات عامه، و سایر طبقات جامعه ی ایران عهد صفوی چگونه بوده است؟

۳- سیاست گذاری شاهان صفوی چه تأثیری در وضعیت زنان این دوره داشته است؟

۴- آیا وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان طبقات بالا با زنان دیگر طبقات اجتماع عصر صفوی متفاوت بوده است؟

فرضیه اصلی: در این پژوهش فرض بر این است که وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان در عصر صفوی، متأثر از فضای سیاسی - اجتماعی جامعه و سیاست های شاهان سلسله صفوی بوده است.
فرضیه های فرعی: ۱- زنان طبقات بالا به نسبت زنان طبقات دیگر نقش برجسته تری در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی عصر صفوی داشته اند.

۲- زنان طبقات عامه و سایر طبقات اجتماعی ایران عصر صفوی با محدودیتهای سیاسی و اجتماعی در این دوره روبرو بوده اند.

۳- سیاست گذاری شاهان صفوی در آزادی یا محدودیت سیاسی - اجتماعی زنان مؤثر بوده است.

۴- وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان طبقات بالا یا زنان دیگر طبقات اجتماع عصر صفوی با توجه به امکانات و موقعیت هر طبقه متفاوت بوده است.

هدف: تبیین وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان در عصر صفوی و ارائه ی تصویر روشنتری از زندگی زنان این دوره می باشد.

شناخت منابع و مآخذ

منابع تاریخی سلسله‌ی صفوی

احسن التواریخ

مؤلف این کتاب حسن بیگ روملو می باشد، که در سال ۹۳۷ ه. ق در شهر قم به دنیا آمد. وی از اوان جوانی و در دوران فرمانروایی شاه طهماسب وارد امور سپاهیگری شد. او بیش از سی سال از عمرش را همراه اردوی شاه طهماسب بوده و اکثر وقایع را به چشم خود دیده است.^۱

حسن بیگ روملو، کتاب احسن التواریخ را در دوازده جلد تألیف کرده، ولی تنها دو جلد ۱۱ و ۱۲ آن باقی مانده، و از بقیه‌ی جلد‌های این کتاب اثری در دست نیست. جلد یازدهم این کتاب شامل رویدادهای سالهای ۸۰۸ تا ۸۹۹ ه. ق، و جلد دوازدهم درباره‌ی رویدادهای سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ه. ق می باشد. و بدین ترتیب تاریخ دودمانهای قراقویونلو، آق قویونلو، و بخش مهم نیاکان صفویان تا آغاز پادشاهی شاه محمد صفوی را در برمی گیرد.^۲

حسن بیگ روملو مانند عموم مورخان صفوی، نبردهای پادشاهان آن دودمان را شرح داده است. مزیت برجسته‌ی احسن التواریخ در آن است که رویدادهای هر سال را جداگانه و زیر عنوان مستقل شرح داده و به پژوهشگران دودمان صفوی کمک بسیاری نموده است، تا سال هر رویداد را مشخص سازند. علاوه بر آن حسن بیگ روملو در پایان هر سال، اطلاعات پر ارزشی درباره‌ی دولتمردان، دانشمندان، عالمان دینی، و شاعرانی که در آن سال درگذشته اند، داده است.

در مجموع کتاب احسن التواریخ از مهم ترین منابع دوران صفویان، و حاوی اطلاعات فراوان و مهمی در این دوره، بویژه در مورد دوران فرمانروایی شاه طهماسب اول می باشد.^۳ که اطلاعات سیاسی و اجتماعی این کتاب در نگارش فصول مختلف این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفت.

خلاصه التواریخ

قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی، مشهور به میرمنشی، از مورخان برجسته‌ی دودمان صفویان است. وی در روز پنجشنبه ربیع الاول ۹۵۳ ه. ق در دوران پادشاهی شاه طهماسب اول به دنیا آمد. پدر او به نام مشرف الدین، از دانشمندان و ادیبان زمان، و منشی دربار شاه طهماسب اول بود. قاضی احمد نیز از اوان نوجوانی در محضر پدر فاضل خود، به کسب معلومات پرداخت.

^۱ - اشپولر، م، م و دیگران، تاریخنگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶.

^۲ - روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، چاپ اول، ۱۳۵۷، جلد ۲، ص

^۳ - ثواقب، جهانبخش، تاریخنگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز، انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۱.

قاضی احمد، کتاب خلاصه التواریخ را به دستور شاه اسماعیل دوم، (۹۸۵-۹۸۴ ه. ق) آغاز کرده، و به علت مشکلات فراوان، در سال ۹۹۹ ه. ق و در زمان پادشاهی شاه عباس اول، به پایان رساند، و در حقیقت، به او تقدیم کرد. خلاصه التواریخ در واقع جلد پنجم از یک کتاب تاریخ عمومی است. ولی از چهار جلد اول آن اثری در دست نیست. کتاب خلاصه التواریخ، شامل تاریخ دودمان صفوی تا سومین سال پادشاهی شاه عباس اول است، و از منابع مهم آن دودمان محسوب می شود. از مزیت های برجسته ی خلاصه التواریخ، آن است که مؤلف، رویدادهای دوران طولانی فرمانروایی شاه طهماسب را در هر سال جداگانه شرح داده و هر سال را از نوروز آغاز کرده است. مزیت برجسته ی دیگر آن، توجه مؤلف به شرح زندگی و کارهای عالمان و هنرمندان زمان خویش است.^۱ در این تحقیق در خصوص بررسی نقش زنان در مسائل سیاسی عصر صفوی و شناخت زنان فعال در عرصه ی سیاسی این دوران از دو جلد این کتاب استفاده گردیده است.

تاریخ عالم آرای عباسی

اسکندر بیگ منشی ترکمان، مؤلف این کتاب از ترکمانان آذربایجان بود که در سال ۹۶۸ ه. ق به دنیا آمد. او در اوان جوانی، منشی دربار صفوی گردید. اسکندر بیگ خود از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع و رویدادهای دوره ی پیش از شاه عباس اول، و پادشاهی او و آغاز پادشاهی شاه صفی بوده است. اسکندر بیگ در دوره ی شاه عباس اول، در سلک منشیان دربار درآمد. اسکندر بیگ در سال ۱۰۲۵ ه. ق که مصادف با سی امین سال پادشاهی شاه عباس اول بود، نوشتن کتاب عالم آرای عباسی را در سه جلد آغاز کرد. جلد اول درباره ی نیاکان صفویان، و شاهان پیش از شاه عباس اول، جلد دوم مربوط به رویدادهای سی سال اول پادشاهی شاه عباس اول و جلد سوم درباره ی رویدادهای سالهای آخر پادشاهی شاه عباس اول تا زمان مرگ او در سال ۱۰۳۸ ه. ق است.

کتاب عالم آرای عباسی، بی شک از مهمترین منابع در مورد تاریخ عهد صفویه است. مؤلف هنگام مرگ شاه طهماسب اول، شش سال داشت، و همواره شاهد عینی بسیاری از رویدادهای پادشاهان صفوی و یا آگاه از جزئیات آن بود. اسکندر بیگ علاوه بر استفاده از کتاب های مورخان پیش از خود، به علت منشی بودن در دربار، به کلیه ی اسناد و مدارک درباری دسترسی داشته، و از این موقعیت مهم برای نوشتن کتاب ارزنده ی خود سود جسته است. کتاب عالم آرای عباسی، با قلمی روان و بدون تکلف نوشته شده، و در آن بسیاری از دانشمندان و عالمان دینی را معرفی کرده، و

^۱ - ثواقب، جهانبخش، تاریخ نگاری عصر صفوی و شناخت منابع و مآخذ، همان، ص ۵۷۱.

شرحی درباره ی آنان داده است.^۱ از این کتاب در خصوص اوضاع سیاسی - اجتماعی، و نقش زنان در مسائل سیاسی مطالب فراوانی مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- سفرنامه ها

سیاحتنامه شاردن

ژان شاردن^۲ سیاح معروف فرانسوی، در سال ۱۰۵۳ ه / ۱۶۴۳ م، در پاریس متولد شد. پدرش جواهر فروش بود. او نیز بدین شغل دلبستگی پیدا کرد، و در سن ۲۲ سالگی برای تجارت روی به مشرق زمین نهاد. شاردن در سال ۱۰۷۶ ه. / ۱۶۴۵ م، از راه استانبول و آسیای صغیر و ارمنستان، به تبریز، و از آنجا به قزوین و اصفهان سفر کرد. وی پس از یکسال و نیم اقامت در اصفهان، به بندر عباس رفت تا از ایران خارج شود، ولی پس از دو سال دوباره به اصفهان باز آمد، و در عصر شاه عباس دوم، لقب تاجر شاهی و عنوان « زرگر دربار پادشاه » یافت. شاردن در سال ۱۰۸۱ ه. ق / ۱۶۷۰ م، با گنجینه ای از اطلاعات به فرانسه بازگشت، اما یک سال بعد، ۱۶۷۱ م، بار دیگر به ایران آمد، و به مدت چهار سال را در ایران گذرانید. سپس به اروپا رفت، و از طرف چارلز دوم، پادشاه انگلستان، مقام شوالیه گرفت. وی سرانجام در سال ۱۱۲۴ ه. / ۱۷۱۳ م، در انگلستان درگذشت. شاردن در مدت اقامت در ایران، زبان فارسی را فراگرفت، و اوضاع سیاسی، اجتماعی ایران را به طور دقیق مطالعه کرد. سفرنامه ی وی که مشتمل بر ده جلد است را می توان دایره المعارف جامعی از شئون و خصوصیات تمدن ایران دانست. شاردن در شناخت ایران عصر صفوی دقت زیادی به خرج داده است.^۳

در جلد ۸ سفرنامه ی خود، اطلاعات ارزشمندی در مورد اوضاع اجتماعی ایران، بخصوص وضعیت زنان ارائه می دهد که در نگارش این پایان نامه از مطالب ارزشمند آن استفاده شده است.

سفرنامه کمپفر

انگلبرت کمپفر، در سال ۱۰۶۲ ه / ۱۶۵۱ م در شهر لمگو^۴ در آلمان متولد شد، پدرش کشیش، و سمت ریاست مدرسه متوسط آن شهر را نیز بر عهده داشت. کمپفر تا حدود ۱۷ سالگی، در لمگو به تحصیل پرداخت. و سپس در سال ۱۶۷۲ م، وارد دانشگاه شد و به فراگرفتن فلسفه و تاریخ، و زبانهای قدیمی

۱ - ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، با اهتمام و تنظیم ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، جلد ۱، ص ۱۷ از مقدمه.

۲ - Jeanchardin

۳ - ر.ک، شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹، جلد اول، مقدمه، صص ۱۹-۹، ثواقب، جهانبخش، تاریخ نگاری عصر صفویه، همان، صص ۲۸۳-۲۸۰.

۴ - Lemgo

و جدید پرداخت، و در سالهای بعد به تحصیل طب روی آورد. وی سپس برای تحقیقات علمی به سوئد رفت، و در آنجا به تحصیل و تحقیقات پرداخت.

کمپفر در سال ۱۰۹۳/۱۶۸۳م، همراه هیأتی تجاری از کشور سوئد به ایران آمد. و در سال ۱۰۹۵/۱۶۸۴م، در اصفهان به حضور شاه سلیمان صفوی، راه یافت.^۱

اقامت دو ساله در اصفهان، فرصت خوبی برای کمپفر بود تا درباره ی ایران عصر صفوی و مسائل مربوط به اوضاع سیاسی و اجتماعی و ... مطالعه و تحقیق کند. کمپفر پس از دو سال اقامت در ایران عصر صفوی، در سال ۱۰۹۶ ه. ق/ ۱۶۸۵م، از اصفهان به شیراز رفت، و از آنجا از طریق بندرعباس، از ایران خارج، و به هند و جاوه و ژاپن سفر کرد. کمپفر پس از بازگشت به وطن خود، در سال ۱۷۱۶م از دنیا رفت. از میان سیاحان اروپایی که در روزگار صفویه به ایران آمده، کمپفر مقامی ارزنده دارد. مطالب و طرح هایی که وی از ایران عصر صفوی ارائه داده، بسیار عالمانه و دقیق به نظر می رسد. وی از مراکز اصفهان، یعنی منطقه ی قصور سلطنتی و مراکز حکومتی طرحی برداشته، که از لحاظ نقشه برداری و سندیت بی نظیر است.^۲ در این پایان نامه از مطالب ارزشمند این سفرنامه، بخصوص اوضاع حرمسرای شاهی استفاده شده است.

سفرنامه تاورنیه

ژان بابتیست تاورنیه، در سال ۱۰۱۴ه. ق/ ۱۶۰۵م در پاریس به دنیا آمد. وی عمری را در کار تجارت گذارید، و چندین بار به مشرق زمین از جمله عثمانی، ایران و هند مسافرت کرد. وی در فاصله ی سالهای ۱۶۳۱ تا ۱۶۶۸م، شش بار به ایران مسافرت کرده است. تاورنیه دو بار در سالهای ۱۰۴۱ و ۱۰۴۹ه. ق، در عصر شاه صفی، از ایران دیدن نمود، و در دوران سلطنت شاه عباس دوم نیز در طول ده سال (یعنی از سال ۱۰۶۵ تا ۱۰۷۵ه. ق) مسافرت هایی به ایران کرده است.

وی در سال ۱۱۰۱ه. ق/ ۱۶۸۹م، بار دیگر قصد مسافرت به ایران را داشت، که در مسکو درگذشت. تاورنیه از لویی چهاردهم پادشاه فرانسه، به خاطر خدمات خود به فرانسه، در برابر جمع آوری اطلاعات فراوان، لقب شوالیه و عنوان نجیب زادگی گرفت. تاورنیه در سفرنامه ی خود مطالب ارزشمندی درباره ی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران عصر صفوی به دست می دهد. وی مبسوط ترین نقشه ی جغرافیایی دوران صفوی را ارائه داده و ما را با جغرافیای سیاسی و اقتصادی

^۱ - کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳، صص ۹-۲. ثواقب، جهانبخش،

تاریخنگاری عصر صفوی، همان، صص ۲۶۴-۲۶۳.

^۲ - ثواقب، جهانبخش، همان منبع، ص ۲۶۵.

آن عصر آشنا می نماید.^۱ در لا به لای سفرنامه ی تاورنیه می توان به مطالب ارزنده ای در ارتباط با ساختار سیاسی، اجتماعی ایران عصر صفوی پی برد، که در این پژوهش به آن توجه شده، و از آن استفاده شده است. سفرنامه ی تاورنیه شامل ۵ کتاب است که کتاب های اول و سوم، درباره ی راهها و شهرهای بین راه است، که از آن طریق می توان از پاریس به اصفهان رسید. اما از کتاب چهارم و پنجم این سفرنامه اطلاعات ارزشمندی درباره ی اوضاع سیاسی و نظامی عصر صفوی وجود دارد. اطلاعات سودمندی درباره ی طرز حکومت، وضع ادارات، طرز اداره ی قشون، مشاغل درباری و ... به دست می دهد.^۲

سفرنامه ی سانسون

پرمارتین سانسون^۳، کشیش و مبلغ فرانسوی است که در زمان شاه سلیمان صفوی، برای ترویج دین مسیح به ایران آمد. وی در مقدمه ی سفرنامه اش، درباره ی اهداف اعزام و اقامت چند ساله اش در ایران اطلاعات مبسوطی ارائه داده است.^۴ سانسون در مدت اقامت خود در ایران، زبان فارسی را یاد گرفت، و بسیاری از خصوصیات دربار، و حکومت صفوی که با چشم خود دیده و مشاهده کرده بود، را به رشته ی تحریر درآورد.^۵ وی در سفرنامه اش، به اوضاع سیاسی - اجتماعی نیز پرداخته است، که در نگارش این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- تحقیقات معاصر

ایران عصر صفوی

مؤلف این کتاب، راجر سیوری^۶ ایران شناس برجسته ای است، که مطالعات عمیقی در مورد دوره ی صفویه دارد. سیوری در سال ۱۹۲۵م در پیتر و بورو^۷ انگلیس متولد شد. وی در طی سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۷م، در خدمت ارتش و سپس به عنوان کارمند وزارت خارجه بریتانیا، در ایران اقامت داشت. سیوری در سال ۱۹۸۵، از دانشگاه لندن، در رشته ی شرق شناسی دکترا گرفت. وی از سال ۱۹۷۶م، تاکنون، عهده دار کرسی امور خاورمیانه و اسلامی در کالج تورنتو کانادا است، و کتاب حاضر نیز

^۱ - ثواقب، جهانبخش، همان، صص ۲۸۷-۲۸۹.

^۲ - تاورنیه، ژان باتیست، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، تهران، سنایی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، مقدمه صص د تا ط. ثواقب، جهانبخش، همان، صص ۲۸۷-۲۸۹.

^۳ - Permarthin Sanson

^۴ - سانسون، پرمارتین، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶، مقدمه صص ۱۴-۹.

^۵ - ثواقب، همان، صص ۲۹۲.

^۶ - Roger Savory

^۷ - Pitter Borrow

محصول همین دوران می باشد. هدف سیوری در این کتاب، ارائه یک بررسی کلی و فراگیر از تاریخ عصر صفویه، و در عین حال ردیابی روندهای حاکم بر حوادث و جامعه عصر صفوی، و علل ظهور و سقوط این سلسله است.^۱ سیوری کتاب خود را در ده فصل تنظیم نموده است. آنچه که مطالب متنوع کتاب را به هم پیوند داده است، ردیابی و دنبال نمودن کارایی و عدم کارایی مبانی ایدئولوژیکی قدرت یابی صفویه به هنگام دین سالاری عهد شاه اسماعیل اول^۲، جدایی و فاصله گرفتن تدریجی از این شکل حکومت در سالهای بعد، و تغییر در تشکیلات صفویان می باشد.^۳ سیوری هوشمندانه زمینه های سقوط و زوال صفوی را از عهد شاه عباس اول، به دنبال بعضی از سیاست های کوتاه مدت وی جستجو نموده است. وی همچنین اقدام شاه عباس اول، در تحدید قدرت قزلباشان، و به کارگیری نیروی سوم را از جمله عوامل زمینه ساز سقوط صفویان مطرح نموده است. در کتاب سیوری مطالب قابل استفاده ای در خصوص تشکیل دولت صفوی، ساختارهای قدرت سیاسی و اوضاع اجتماعی این دوره وجود دارد، که در این پایان نامه از آن مطالب استفاده شده است. علاوه بر کتاب ایران عصر صفوی، همین نویسنده در کتاب دیگرش تحت عنوان در باب صفویان، مناصب نظامی، سیاسی بخصوص در دوره ی شاه اسماعیل اول و طهماسب اول را مورد بررسی قرار داده است^۴، و از این نظر، برای این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

ساختار نهاد و اندیشه ی دینی در ایران عصر صفوی

این کتاب اثر منصور صفت گل، استاد کنونی گروه تاریخ دانشگاه تهران می باشد، که در سال ۱۳۸۱ ه. ش توسط مؤسسه خدمات فرهنگی رسا به چاپ رسیده است. مولف هدف از این پژوهش را روشن ساختن چگونگی ساختار سیاسی صفویان و پیوند و ارتباط آن با ساختار دینی بیان می کند. همچنین مشخص کردن کارکردها و دورنمای اندیشه ی دینی و چگونگی گرایش های فکری این دوران، و اینکه هر کدام از آنها چه تأثیر اجتماعی و سیاسی داشتند. ساختار اقتصادی نهاد دینی، ساختار آموزشی دینی و مسائل دیگری که در همین راستا قابل بررسی است. کتاب با یک دیباچه، سپاسگزاری و فصل مقدماتی آغاز می شود. و هر کدام از فصل های اصلی کتاب، با مقدمه ای تحت عنوان زمینه ی شروع، و به دنبال آن، بحث های اصلی مطرح می شود^۵، از اطلاعات این کتاب در

^۱ - سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ هشتم، ۱۳۷۹، مقدمه صص ۹-۱۱.

^۲ - سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، همان، صص ۲۹-۲۶.

^۳ - همان، ص ۴۸.

^۴ - سیوری، راجر، در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱.

^۵ - صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۵-

مورد روند تحولات دینی و مذهبی و تأثیر آن در وضعیت سیاسی و اجتماعی، و همچنین بررسی سلسله مراتب قدرت سیاسی علما در دستگاه حکومت صفوی، در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه:

از جمله کتاب‌های مهم و قابل توجه در سالهای اخیر درباره شناسایی زنان نام‌آور، کتاب مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه، تألیف محمدحسن رجبی است که توسط انتشارات سروش در سال ۱۳۷۴، و به اهتمام معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تدوین شده است. اطلاعات این کتاب به صورت ارائه طرح مطالب کوتاهی، در برگیرنده مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری است. که در پایان هر مقاله کتاب‌شناسی ویژه همان مدخل صورت گرفته است. زبان مقالات ساده و قابل فهم برای همگان، و به دور از عقیده شخصی نگارنده، و بر اساس اجماع منابع نوشته شده است. در نوشتن شرح حال تا حد امکان از منابع اصلی و معتبر سود گرفته، که همین امر سبب ارزش مطالب این منبع است. از مطالب این کتاب در شناسایی زنان هنرمند و فعال در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، استفاده شده است.^۱

^۱ - رجبی، محمدحسن، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه، تهران، سروش، ۱۳۷۴، ص ۲.

فصل اول:

زمینه‌های تشکیل دولت صفوی

۱-۱: تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان

در فاصله انقراض ایلخانان (۷۳۶ هـ ق) تا حمله تیمور گورکان (۷۸۳-۷۸۲ هـ ق) به ایران که به دوره فترت معروف شده است، سرزمین ایران دچار تحولات و اغتشاشات و هرج و مرج فراوان بود. در این دوره سلسله‌های کوچک و بزرگ و امرای محلی در سراسر ایران، که هیچ‌گونه خط سرحدی روشنی آنها را از یکدیگر جدا نمی‌کرد، به جنگ و ستیز با همدیگر مشغول بودند.^۱ در فاصله میان مرگ سلطان ابوسعید ایلخان تا استیلای قطعی تیمور بر ایران، یعنی در سال ۷۹۵ هـ ق که حدود شصت سال طول کشید، چندین سلسله از حکومت‌های محلی در گوشه و کنار این کشور بوجود آمدند.

با اینکه یک یا چند تن از این رقیبان در منطقه تحت نفوذ خود توانستند برای مدتی کوتاه فضایی آرام و با ثبات از نظر سیاسی و اقتصادی برقرار سازند، ولی هیچکدام از آنان به موفقیت پایداری دست نیافتند، و مسأله‌ای بنام وحدت مملکت برایشان به وجود نیامد. ایران در نتیجه این دسته‌بندی‌ها و اوضاع نابسامان صدمات و لطمات شدیدی متحمل شد. در آغاز دهه هشتاد قرن هشتم کشور ایران مورد حملات تیمور قرار گرفت.

تیمور با پیشروی در آسیای میانه همه گروه‌های مدعی را از صحنه راند و یا اینکه آنان را به موضع ضعف و بی‌اعتباری انداخت.^۲ آغاز کار و اقتدار تیمور به فاصله سالهای ۷۶۰ تا ۷۷۰ هـ ق یعنی زمانی که در سال ۷۶۱ هـ ق اوضاع ماوراءالنهر آشفته گشت و امرا دست به کشتار همدیگر می‌زدند، مرتبط میشود.^۳ آشفته بازار ماوراءالنهر موجب گردید تا تغلق تیمورخان فرمانروای بخش شرقی ممالک الوس جغتای فرصت را مغتنم شمرده، با لشکری برای مداخله در امور آن نواحی دوباره به ماوراءالنهر عزیمت نموده، که هر بار تیمور را به بخدمت پذیرفته، و تیمور نیز در قطع نفوذ امیران آن ناحیه به وی کمک کرده است. مؤلف لب‌التواریخ در مورد آغاز قدرت‌یابی تیمور می‌نویسد:

«و چون آثار رشد و دولت از جبین او ظاهر بود، در ایوان تغلق تیمور اعزاز و اکرام یافت و ایالت و ولایت کش و توابع که تعلق به اقوام او می‌داشت، بد و تفویض فرمود، و ابتدای رشد و نمای امیر تیمور از این تاریخ است. بعد از این چون لشکر تغلق تیمور راهی سرزمین خود شد، امیرحسین بن امیر سلار که برادر زن امیر تیمور بود، و نبیره امیر قزغن، به حکومت ماوراءالنهر رسید، امیر تیمور به

۱ - میرجعفری، حسین، تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان ترکمانان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، ص ۱.

۲ - پژوهش از دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۷۹، ص ۱۲.

۳ - یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶، ص ۴۵.